



- عدم هماهنگی لازم بانکه با مجریان طرح و نیز افراد متقاضی تسهیلات ویژه طرح.
- عدم هماهنگی بخشهای جهاد و بهداشت در بعضی از استانها.
- نبود اعتبارات جهت هزینه‌های جاری طرح و عدم وجود نیروی کافی برای اجرای طرح.
- ابلاغ دیر هنگام اعتبارات و ناسامع بودن فصل برای بهسازی و محدودیت زمانی جذب اعتبارات.
- عدم وجود جزوهای مشترک و یکسان جهت آموزش بهورزان در سطح ملی.
- در مقابل مشکلات موجود، نقاط قوت اجرای طرح و موارد موفقیت آن را می توان چنین بیان کرد:
- ایران رضایت قالیبافان از توجه مسئولین بهداشت و جهاد و نهایتاً دولت به وضعیت کار و سلامتی ایشان.
- رضایت قالی‌بافان کارگاههای بهسازی شده از بهبود کار خود.
- مشارکت قالی‌بافان در امر بهسازی.
- تفاوت سطح آگاهیهای بهداشتی قالی‌بافان کارگاههای تحت پوشش نسبت به سایرین.
- تمایل سایر قالی‌بافان به بهره مندی از خدمات طرح بقا.
- علاقه مندی کارشناسان مجری طرح (جهاد و بهداشت) به همکاری و مشارکت در خصوص اجرای طرح.
- پیشگیری از بیماریهای رایج شغل قالی‌بافی در بین قالی‌بافان (باتوجه به شواهد موجود).
- علاقه مندی و توجه مسئولین بلندبایه نسبت به طرح بقا و روند اجرایی آن.
- ایجاد زمینه مناسب برای بر خورداری هرچه بیشتر از تسهیلات ویژه اعتباری.

رنگامیز و دیگر خصوصیات و ویژگیهایی که دارد، می‌تواند به عنوان بهترین سوغات و راه‌آورد سفر محسوب شود و بسیاری از گردشگران علاقه‌مند هستند تا آثار مختلف صنایع دستی مکانهای مورد بازدید خود را - که در واقع "تولیدات فرهنگی" آن محل و کشور ذیربط به حساب می‌آید - خریداری کنند و به عنوان ارمغان سفر یا خود به کشورشان به همراه ببرند. لذا صنایع دستی و صنعت گردشگری بر یکدیگر اثر متقابل دارند و می‌توانند موجبات رشد و توسعه یکدیگر را فراهم سازند.

از جمله مشخصات کشورهای در حال توسعه، اقتصاد تک محصولی و اتکا به یک یا ندرتاً چند قلم معدود کالای صادراتی است. ضمن آنکه اغلب این گونه ممالک صادرکننده مواد خام نظیر نفت، پنبه، قهوه، مس، کف، و نظایر آن هستند. متأسفانه تجربیات حاصله از بازرگانی بین‌المللی نشان داده، با مختصر کاهش در بهای جهانی این مواد، به یکباره تراز پرداختهای ممالک صادر کننده این گونه مواد دچار عدم موازنه می‌شود. نوسان قیمت نفت در بازارهای بین‌المللی ظرف سالهای اخیر بهترین و گویاترین مورد در خصوص کشورهای نفت خیز متکی به "اقتصاد تک پایه" است، که گاه حیات اقتصادی آنها را تهدید به نابودی می‌کند.

از طرفی بنیان اقتصادی ممالک در حال توسعه به گونه‌ای است که برای اجرای برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی و حتی درموردی برای تأمین حداقل نیازهای خود به ارز احتیاج دارند، که این امر درگرو امکان صدور مواد و محصولاتشان به خارج است. لذا توسعه صادرات اعم از صدور برخی مواد خام - البته بیشتر از حد نیاز در داخل کشور - کالاهای نیمه ساخته و ساخته شده و صنایع دستی و در نتیجه ایجاد درآمدهای ارزی، از شرایط اساسی توسعه متوازن اقتصادی است.

در سالهای اخیر صدور محصولات دستی نه تنها توسط کشورهای جهان سوم، بلکه

جدید، صنایع دستی می‌تواند مهمترین منبع کار و اشتغال باشد.

امروزه در بین کشورهای مختلف تلاش برای ازدیاد درآمد سرانه به صورت رقابتی پایان ناپذیر درآمده است و چنین به نظر می‌رسد که اگر کشورهای جهان سوم حتی بتوانند فاصله و شکاف کنونی را که بین آنها و ممالک پیشرفته صنعتی وجود دارد، حفظ کنند، در برنامه‌های خود توفیق حاصل کرده‌اند. از این رو تردیدی نیست هر عاملی که منجر به کمک به افزایش درآمد سرانه کشورهای درحال توسعه شود، درخور اهمیت است و صنایع دستی به علت داشتن مزایایی نظیر کار طلب بودن آن، سادگی فن و عدم احتیاج به آموزش فنی وسیع و تأثیر چشمگیر آن در افزایش سطح اشتغال و امثال آن بیش از هر فعالیت اقتصادی دیگر زمینه برای توسعه و پیشرفت دارد. به خصوص در مناطق روستایی و عشایری صنایع دستی می‌تواند به عنوان دومین منبع درآمد و در پاره‌ای از مناطق کشور حتی به عنوان مهمترین عامل کار و درآمد به حساب آید.

یکی از مهمترین معیارهای توسعه اقتصادی، میزان "تولید ناخالص ملی" (G.N.P) است و از آنجا که صنایع دستی اساساً متکی به منابع داخلی می‌باشد و به طور معمول بیش از ۹۰ درصد ارزش داده‌ها در این رشته - که به طور عمده شامل نیروی کار، مواد اولیه مصرفی و وسایل و ابزارکار است - در داخل کشور قابل فراهم شدن است، طبعاً هرگونه افزایش درمیزان تولید و فروش فرآورده‌های دستی اثر مستقیمی در ازدیاد تولید ناخالص ملی "و به تبع آن درآمد سرانه دارد. بر این اساس، امروزه برخی از ممالک درحال توسعه که در حقیقت صاحبان اصلی صنایع دستی هستند، به جای مواد خام نظیر پنبه، پشم، کف، پوست، چوب، ابریشم و غیره تلاش دارند که این گونه مواد را به انواعی از صنایع دستی که تجربه و تبحر ساخت و پرداخت آن را دارند تبدیل کنند و فرآورده‌های تولید شده خود را که دارای ارزش افزوده فوق‌العاده‌ای است، به ممالک دیگر و به ویژه کشورهای پیشرفته صادر نمایند. متأسفانه به علت فقدان آمار و اطلاعات دقیق از میزان تولید سالانه محصولات دستی در کشورهای روبه رشد، که تا حد زیادی از اهمیت عامل "خود مصرفی" این فرآورده‌ها در مناطق روستایی و عشایری و عدم عرضه آن در بازار است، تعیین سهم واقعی صنایع دستی در مجموع تولیدات ناخالص ملی کشورهای مختلف جهان امکان پذیر نیست، ولی به برخی از برآوردها و تخمینها در این مورد می‌توان اشاره کرد. از جمله آنکه سهم صنایع دستی در تولید ناخالص ملی هند حدود ۱۴/۶ درصد بوده و در بسیاری از کشورهای رو به رشد و مطرح در صنایع دستی این سهم بین ۸ تا ۱۰ درصد برآورد شده است، ولی متأسفانه سهم صنایع دستی در تولید ناخالص ملی ایران ۲/۶ درصد است. ضمن آنکه کارشناسان و صاحب نظران صنایع دستی کشور بر این عقیده هستند که این سهم در صورت تهیه و اجرای طرح ساماندهی صنایع دستی می‌تواند به حداقل ۵ درصد افزایش یابد.

صنایع دستی، تبلور عینی فرهنگ و از جمله مظاهر هنری آن هم از نوع هنر کاربردی و مردمی به حساب می‌آید و از آنجا که هر فرآورده دستی، بازگوکننده خصوصیات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی کشور محل تولید خود می‌باشد، می‌تواند هم عامل مهمی در شناساندن فرهنگ و تمدن محسوب شود و هم آنکه موجبی برای جلب و جذب توریست و جهانگردان خارجی قلمداد گردد.

امروزه دیگر تنها آثار تاریخی وسیله جذب گردشگر به ممالک در حال توسعه که اکثراً دارای تمدنی کهن هستند، به شمار نمی‌آید بلکه همراه آن، فرآورده‌های دستی با طرحها و اصلتهای ویژه خود مطرح می‌باشد و می‌تواند مکمل دیدنیهای تاریخی هر کشور باشد، تا آنجا که در برخی از ممالک که مهد صنایع دستی هستند، در کنار مراکز تولید عمده محصولات صنایع دستی، امکانات توریستی فراهم کرده‌اند تا گردشگران ضمن اقامت در این گونه مراکز از نزدیک با چگونگی تولید مصنوعات دستی آشنا شوند. باید توجه داشت که انواع صنایع دستی تولیدی در هر کشور به خاطر طرحها و نقوش، رنگ و

